

این گزارش را بخوانید و مراقب باشید

عجیب ترین شگرد

برای پول بادآورده

علی چاهه / مردی ۴۰ ساله بعد از زورگیری و کلاهبرداری های سریالی در محله یافت آباد، سرانجام توسط پایگاه پنجم پلیس آگاهی دستگیر شد. یکی از مالباختگان می گوید: «موقع پول گرفتن از عابریانک کنار آمد. به او تذکر دادم تا از من فاصله بگیرد اما ناگهان شروع به تهدید با چاقو کرد و به زور کارت عابریانک من را گرفت.. فردای آن روز تا کارتم را سوزاندم، متوجه شدم ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان از حسایم برداشت کرده است.» این در حالی است که قربانی بعدی حتی

متوجه نمی شود که فرد کی کارت عابریانک سرقتی خود را با کارت او جابه جا کرده است. در این بین نفر سوم نیز شروع به تعریف می کند: «ساعت ۸ شب بود که می خواستم از عابریانک پول بگیرم، این فرد به من چسبید و در سریع ترین زمان ممکن کارت مرا با خود برد یعنی وقتی به کاری که در دستم بود دقت کردم، تازه فهمیدم که او کارت من را دزدیده است..»

دنیالش هم رفته اما کار از کار گذشته بود و به او نرسیدم. تا اینکه فردای آن روز به سرعت برای سوزاندن کارت به بانک مراجعه

کردم ولی متأسفانه ۴۰ میلیون تومان پول مرا از کارت با خرید کردن، برداشت کرده بود. سپس خود متهم شروع به صحبت می کند و دلیل این اقداماتش را نداری و بی پولی بیان کرده و می گوید: آن پول ها را برای خرج خانه و مواد مخدر خودم برمی داشتم و راهی جز دزدی نداشتم.

گفت و گو با دزد کارت های عابریانک

چند سالت است و آیا تاکنون سابقه کفتری داشته ای؟



کلاهبردار

۴۰ ساله ام و یک بار هم سابقه کفتری داشتم که آن هم مربوط به سرقت و زورگیری است. یک سالی هم برای آن حبس کشیدم.

چرا آن یک سال زندان برای تودرس عبرت نشد تا دیگر دزدی نکنی؟

زن و بچه دار هستم و باید خرج و مخارج آنها را تأمین کنم. از طرفی بدهکار هم هستم. بنابراین چاره ای برای من جز سرقت نمانده بود برای همین مجبور شدم که دوباره دست به سرقت بزنم.

هرکسی بدهی دارد یا مشکلی را در زندگی

احساس می کند باید دزدی کند؟ طبیعتاً نباید سرقت کرد اما حقیقت این است که وقتی سابقه دار می شوی هیچ جایی به تو کار نمی دهند و راهی جز سرقت برای تو باقی نمی ماند.

من هم قبلاً کار می کردم. از برق کشی و نجاری گرفته تا کارهای مختلف ساختمانی اما وقتی کار نباشد طبیعتاً دست به این کارها می زنیم، من امروز پشیمانم اما چاره ای نداشتم.

چرا چاره نداشتی؟ خیلی از کارگاه ها برای استخدام که سوء پیشینه نمی خواهند!

نه من هر جایی که رفتهم برای کار سوء پیشینه می خواستند انگار دزد بودن را روی پیشانی من حک کرده بودند.

شگردت چه بود؟!

بیشتر بعد از ظهرها که بانک ها تعطیل بودند، کنار دستگاه های خودپرداز می ایستادم و وقتی متوجه رمز کارت کسی می شدم به بهانه کمک کردن در کارهای بانکی ایش پشت دستگاه می ایستادم و وقتی کارش تمام می شد، کارت را از دستگاه خارج می کردم و کارت سرقتی خالی دیگری را با کارتش عوض کرده و با سرعت فرار می کردم و قبل از اینکه آن فرد متوجه شود و کارتش را بسوزاند تا جایی که می توانستم کارتش را خالی می کردم و اما اگر آن شخص اجازه نمی داد کار بانکی اش را انجام بدهم وقتی کارتش را از دستگاه می گرفت با تهدید چاقو آن را می گرفتم و سریع چند وسیله میلیونی می خریدم که با جا بجا کردن پول هم ردم را نزنند.

با این پول ها چکار می کردی؟

خرج خانواده را می دادم و مابقی آن را برای مصرف مواد مخدر خودم استفاده می کردم.

چه چیزی مصرف می کردی؟

هرچیزی که دستم می آمد.

سرانجامت چه می شود و چه کار می خواهی بکنی؟

امیدوارم زودتر حل شود و من هم مواد را کنار بگذارم تا شاید بتوانم یک کار آبرومند داشته باشم. خودم هم از خودم خجالت می کشم که به عنوان مردی متأهل چنین کارهایی کرده ام.

حوادث کوتاه

بازداشت دزد طلاهای دختر بچه ۸ ساله در شهری

سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان ری از دستگیری سارق طلاجات دختر بچه ۸ ساله در این شهرستان و کشف اموال مسروقه خبر داد. سرهنگ «حسینعلی ابن علی» در تشریح این خبر گفت: ۱۸ فروردین ماه امسال سرقت طلاجات دختر بچه ای در جلوی ساختمانی توسط مرد جوان با پرابرد در محله «امین آباد» شهرستان ری به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ اعلام و پس از تشکیل پرونده اولیه، توسط عوامل پلیس آگاهی پیگیری شد. وی افزود: در همین راستا کارآگاهان با انجام تحقیقات میدانی و همکاری اهالی محل تصاویر مختلفی از فرد سارق به دست آوردند و هویت متهم و سپس مخفیگاه سارق را در محدوده جنوب شهرستان ری در یکی از باغات شناسایی کردند. این مقام انتظامی تصریح کرد: با به دست آوردن این اطلاعات هماهنگی های لازم با دستگاه قضا انجام و تیم های عملیات پلیس آگاهی شهرستان ری به محل اعزام شد و متهم را در یک عملیات متسجّم و غافلگیرانه دستگیر کردند و در بازرسی از مخفیگاه وی طلاجات مسروقه که در داخل کافال کولر مخفی شده بود کشف شد.

مرگ تلخ و همزمان یک خانواده کرمانشاهی

فرمانده انتظامی استان کرمانشاه از وقوع یک مورد گازگرفتگی مرگبار در شهر کرمانشاه خبر داد و گفت: در این حادثه ۳ عضو یک خانواده متأسفانه جان خود را از دست دادند. سردار «علی اکبر جاویدان» اظهار داشت: پس از اعلام مرکز پلیس ۱۱۰ مینی بر یک مورد گازگرفتگی در محله مصوری کرمانشاه، تیمی از مأموران به سرعت در محل حاضر شدند. وی افزود: مأموران کلانتری ۱۶ سعدی پس از حضور در محل و انجام تحقیقات ابتدایی دریافتند ۳ عضو یک خانواده شامل پدر ۶۰ ساله، مادر ۵۲ ساله و دختر ۲۱ ساله خانواده به علت گازگرفتگی و مسمومیت ناشی از آن جان خود را از دست داده اند.

قتل مرد تنها

توسط ۲ برادر در خمین

جانشین فرماندهی انتظامی خمین گفت: ۲ برادر جوان که مردی ۵۷ ساله را به بهانه فروش احشام به روستایی در اطراف خمین کشته و به قتل رسانده بودند در عملیات کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر شدند. سرهنگ حسین اسلامی افزود: چند روز قبل مأموران کلانتری ۱۲ شهرستان خمین در حین گشت زنی به وانت مزدا با پلاک غیربومی که به صورت بلاصاحب در کنار یکی از خیابان ها رها شده بود مشکوک شده و موضوع را مورد بررسی قرار می دهند. وی با اشاره به بررسی صورت گرفته از سوی مأموران و مشاهده آثار خون در این خودرو خاطر نشان کرد: با هماهنگی مقام قضایی خودرو به پارکینگ منتقل شد و در ادامه هویت راننده آن که مردی ۵۷ ساله اهل و ساکن یکی از استان های جنوب غربی کشور بود بدست آمد. سرهنگ اسلامی ادامه داد: در تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی از بستگان صاحب خودرو مشخص شد که وی روز ۱۸ فروردین سال جاری برای خرید احشام با خودروی وانت خود به یکی از روستاهای خمین رفته است و اطلاعی از وی در دست نیست. وی گفت: با توجه به خاموش بودن تلفن همراه راننده و وجود آثار خون در خودرو احتمال وقوع جنایت تقویت شد. این مقام انتظامی عنوان کرد: کارآگاهان پلیس در رزنی های اطلاعاتی و نامحسوس خود ردی ۲ پسر برادر ساکن در یکی از روستاهای اطراف شهرستان خمین را در این ماجرا پیدا و با حضور در محل این ۲ نفر را دستگیر و جهت ادامه تحقیقات به یگان منتقل کردند. وی با اشاره به اینکه با اظهارات ضد و نقیص این دو برادر، ظن کارآگاهان مبنی بر وقوع جنایت قوت گرفت، اضافه کرد: در ادامه با اقدامات فنی و با بهره گیری از روش های علمی، این ۲ برادر که در ابتدا منکر ارتباط با شخص مفقودی بودند، پس از روبروایی با مدارک و مستندات پلیس به ناچار لب به اعتراف گشوده و به قتل مرد ۵۷ ساله به بهانه فروش احشام و دفن جسدش در حواشی رودخانه اعتراف کردند. جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان خمین با اشاره به کشف جسد مقتول، انگیزه متهمان را از ارتکاب قتل درگیری و اخاذی از مقتول به طمع برداشت از موجودی بالای کارت جابریانک وی عنوان کرد و افزود: متهمان دستگیر شده پس از تکمیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.

قتل زن دوم در رابطه سیاه پنهانی با دختر جوان

بودند در سومین روز از ناپدید شدن شقایق، بهنام لب به اعتراف گشود و به قتل همسرش شاهرش، قربانی جنایت شد.

اعتراف به جنایت خانوادگی
مرد جوان گفت: مدتی بود با دختر جوانی آشنا شده بودم که شقایق به این ماجرا پی برد. سر همین موضوع مدام با هم درگیر بودیم. شقایق زن دوم من بود و گمان می کردم می خواهم زن سوم بگیرم به همین خاطر مدام تماس های تلفنی مرا چک می کرد.

این مرد در تشریح جزئیات جنایت گفت: آخرین بار وقتی دعوا میان ما بالا گرفت گلوئی او را فشار دادم. وقتی نیمه جان روی زمین افتاد شالی را دور گردنش پیچیدم و او را خفه کردم و بعد از قتل، جسد را لای پتو پیچیدم و در صندوق عقب پرایدم گذاشتم، سپس آن را در کودالی در شریف آباد دفن کردم و به خانه برگشتم.

به دنبال اعتراف های این مرد و بازسازی صحنه جرم، برای وی کفترخواست صادر و پرونده اش اتاقی ۱۲ متری در طبقه پایین و اتاقی ۹ متری در طبقه بالا. خانه ای محقر که تا روز گذشته فرزندان

زنی دوم یک مرد وقتی ردیای زن سومی را پشت در خانه اش احساس کرد با اعتراض به شوهرش، قربانی جنایت شد. به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲۱ اسفند ماه سال ۹۹ آغاز شد. مرد جوانی به نام بهنام به پلیس آگاهی پاکدشت رفت و از ناپدید شدن همسر ۳۵ ساله اش به نام شقایق خبر داد.

وی گفت: من چند سال قبل از زن اولم جدا شدم و سرپرستی فرزندم را هم به او سپردم. ۲ سالی است که با شقایق ازدواج کرده ام. او دیروز از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشتم. با این شکایت، تحقیق برای افشای راز ناپدید شدن زن جوان آغاز شد و مأموران به اختلاف های دنیا له دار بهنام و همسرش پی بردند. به این ترتیب بهنام تحت بازجویی قرار گرفت و این بار ادعای جدیدی را مطرح کرد. وی گفت: من و شقایق سوار بر ماشین بیرون رفته بودیم که با هم درگیر شدیم. در میدان اصلی پاکدشت او گفت حالش بد شده و از من خواست ماشین را متوقف کنم. او از ماشین پیاده شد و رفت و دیگر به خانه بازنگشتم. در حالی که مأموران ردی از زن جوان پیدا نکرد

صبح دیروز در شوش تهران فاش شد

قتل مادر در یک قدمی بچه هایش

فاطمه شیخ علی زاده / یک زن در جنوب تهران به طرز مرموزی به قتل رسید و تلخ ترین اینکه بچه های قد و نیم قدش اولین کسانی بودند که جسد مادر را دیدند. پسر بچه ۹ ساله صبح روز گذشته با جسد مادرش در خانه شان مواجه شد و سعی کرد او را نجات دهد اما مادرش قربانی یک جنایت هولناک شده بود. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، خانه شان جایی در جنوب شهر است؛ اتاقی ۱۲ متری در طبقه پایین و اتاقی ۹ متری در طبقه بالا. خانه ای محقر که تا روز گذشته فرزندان



قربانی جنایت

«مالک»، اینجا در آغوش مادرشان پناه آرامش می گرفتند اما حالا جسد ملالک ۳۱ ساله در اتاق بالا افتاده و شیون دختر ۱۲ ساله اش خانه کوچک را پر کرده است. دخترک در حیاط خلوت ۲ در ۲ متری خانه کنار پدرش نشسته است و جسد مادر در اتاق بالاست. صبح امروز وقتی بچه ها از خواب بیدار شدند مادرشان مطابق هر روز صبح کنار آنها در اتاق طبقه پایین نبود تا برایشان صبحانه آماده کند و آنها را راهی مدرسه کند. یونس از خواب پرید و احساس کرد برای رفتن به مدرسه دیر است. از اضطراب اینکه چرا خواب مانده است، مادرش را صدا زد. یک بار و دو بار و چند بار. اما مادرش پاسخی نمی داد و این غیرممکن بود. حیاط را نگاه کرد و از پله های آهنی خانه شان بالا رفت. پسرک ۹ ساله زبانش بند آمده بود و بسختی نفس می کشید. آنچه را که می دید باور نمی کرد. صورت مادرش کبود شده بود و نفس نمی کشید. یک شال محکم دور گلویش پیچیده بودند. یونس دست انداخت که شال را باز کند. شال را تقابلی کره را باز کرد. با دستمال کوچکش مادرش را تکان می داد. اما مالک انگار سال ها بود که به خواب عمیق فرو رفته بود. با فریادهای او خواهرش رعنا از خواب پرید و سریع به پدرش تلفن زد. فرزندان دوقلوی ۴ ساله مالک هم بیدار شده بودند و خانه از صدای گریه ۴ فرزند زن جوان پر بود. دقایقی بعد شوهر مالک از راه رسید و بلافاصله پلیس را خبر کرد. رسیدگی به این پرونده ظهر روز گذشته در دستور کار محمد مهدی براعه بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. بررسی های اولیه حکایت از این داشت که دو



عکس های خبرنگار قضایی ایران از محل جنایت